

دکتر رزا قراچورلو  
وکیل پایه یک دادگستری

## بررسی خشونت نسبت به زنان و گزارش خانم دکتر یاکین ارتورک، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد

### مقدمه

خشونت نسبت به زنان یک پدیده نابهنجار اجتماعی و جامعه‌شناختی است که ریشه در علل و اسباب متعدد اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی دارد. مسأله رفتار با زنان در داخل خانه و خانواده که زمانی امری خصوصی محسوب می‌شد، امروزه دیگر در حیطه مسایل مهم حقوق بشری وارد شده است و از قلمرو خصوصی همسران و مردان خارج شده و مورد توجه و حساسیت دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی دولتی و غیردولتی و سازمان‌های تخصصی مرتبط قرار گرفته است. سازمان عفو بین‌المللی که یکی از مهمترین سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی فعال در زمینه حقوق بشر به شمار می‌رود، به صراحت بیان کرده است که حقوق زنان، حقوق بشر است و نقض حقوق زنان، نقض حقوق بشر خواهد بود.

خشونت علیه زنان هم ریشه در فقر اقتصادی و هم ریشه در فقر اخلاقی و فرهنگی دارد و برحسب گزارش صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف) با عنوان پیشرفت ملت‌ها، خشونت علیه زنان و دختران، شایع‌ترین نقض شکل حقوق بشر در جهان است.

در این مقاله سعی شده است تا ضمن تعریف و بیان مصادیق خشونت علیه زنان از نظر اسناد بین‌المللی (اعم از جهانی و منطقه‌ای) و طبقه‌بندی انواع خشونت علیه زنان براساس عامل خشونت و محیطی که این خشونت‌ها در آن اعمال می‌گردد، به تعریف

جامع و کاملی از خشونت علیه زنان دست یابیم. در این راستا نقش مهم و برجسته گزارشگران ویژه سازمان ملل متحد در موضوع خشونت علیه زنان و نیز گزارش اخیر خانم دکتر یاکین ارتورک پس از بازدید دو هفته‌ای ایشان از ایران در خصوص وضعیت زنان در ایران، جهت تنویر هرچه بیشتر موضوع ذکر می‌گردد.

### تعریف و مصادیق خشونت علیه زنان طبق اعلامیه ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد

این اعلامیه که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد و در راستای اقدامات انجام شده به وسیله کمیسیون مقام زن، در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ به تصویب رسیده است، تحت عنوان اعلامیه رفع خشونت نسبت به زنان، برای نخستین بار، خشونت علیه زنان را بدین شرح در ماده ۱ خود تعریف کرده است:

«هرگونه عمل خشونت‌آمیز مبتنی بر جنسیت که باعث بروز یا احتمال بروز صدمات و آسیب‌های جسمی، جنسی و یا روانی و یا رنج و آزار زنان از جمله تهدید به انجام آنها شود و نتیجه آن محرومیت اجباری یا اختیاری (در شرایط خاص) از آزادی در اجتماع و یا زندگی خصوصی می‌باشد.»

در ماده ۲ اعلامیه یاد شده؛ مصادیق این خشونت به شرح ذیل برشمرده شده است:

۱. خشونت‌های جسمی، جنسی و روانی در خانواده شامل کتک زدن، سوءاستفاده جنسی از کودکان مؤنث، خشونت در روابط زناشویی،\* ختنه زنان و دیگر اعمال سنتی خشن و خشونت‌های مربوط به استثمار و بهره‌کشی جنسی از زنان،

۲. خشونت‌های جسمی، جنسی و روانی در جامعه شامل تجاوز، سوءاستفاده، آزار و تهدید جنسی در محل کار و مؤسسات آموزشی، خرید و فروش زنان و فحشای اجباری،

\* - طبق تفسیر بعمل آمده از این ماده اعلامیه، عدم تمکین زن به برقراری ارتباط جنسی با همسر خود و اجبار به برقراری رابطه توسط همسر وی، خشونت جنسی محسوب شده و در قانون جزای انگلستان از سال ۱۹۷۶ تحت عنوان تجاوز به عنف توسط همسر (MATERIAL RAPE) به عنوان جرم شناخته شده است و از مصادیق اعمال خشونت‌آمیز نسبت به زنان محسوب می‌گردد.

### ۳. خشونت جسمی، جنسی و روانی توسط دولت»

طبق اعلامیه فوق، از دولت‌ها خواسته شده است تا نسبت به محو خشونت علیه زنان حتی در داخل خانواده‌های خود، مداخله کرده و بدین وسیله حیظه و دامنه مسؤولیت دولت‌ها را به حریم خصوصی خانه‌ها نیز تعمیم می‌دهد.

لازم به توضیح است که سند حقوقی یاد شده، یک اعلامیه است که به لحاظ حقوقی دارای قدرت الزام‌آور نمی‌باشد و از زمان تصویب آن تاکنون، مباحثاتی برای تبدیل آن به پروتکلی ویژه که دولت‌ها با الحاق به آن ملزم به رعایت مفاد آن شوند، وجود داشته که هنوز واقعیت عملی به خود نگرفته است.

کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان (مصوب ۱۹۷۹) و پروتکل الحاقی آن، (مصوب ۱۹۹۹) مجمع عمومی ملل متحد (که حتی حق دادخواهی فردی را به رسمیت می‌شناسد)، توجه خاصی به خشونت علیه زنان ندارد و این امر در آن اسناد مسکوت باقی مانده است.

البته شایان ذکر است که کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان به طور مستقیم و مشخصاً به موضوع خشونت علیه زنان نمی‌پردازد، لیکن به طور ضمنی و غیرمستقیم در ماده ۱۱ آن (برابری در اشتغال) و ماده ۱۶ (مساوات در زندگی خصوصی) می‌توان نفی خشونت را یافت، بدین صورت که در بطن علت خشونت علیه زنان، همواره تبعیض وجود داشته است. ماده ۶ کنوانسیون که در آن به رفع استثمار از زنان و فحشای آنها اشاره می‌کند، بیشترین ارتباط را با موضوع خشونت علیه زنان دارد.

در هر حال به خاطر مسکوت ماندن موضوع خشونت علیه زنان به طور صریح در کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، کمیته رفع تبعیض کنوانسیون\*، تصمیم گرفت که در توصیه‌نامه عمومی شماره ۱۹ خود، خشونت مبتنی بر جنسیت را شکلی از تبعیض بداند که تساوی زنان با مردان را به طور جدی مورد تهدید قرار می‌دهد. همچنین این کمیته در توصیه‌نامه شماره ۱۱۲ خود در سال ۱۹۸۹ به دولت‌ها پیشنهاد کرد که در گزارش‌های ادواری خود به کمیته به معیارهایی که برای مقابله با خشونت نسبت به زنان در خانواده،

محیط کار و غیره در نظر گرفته‌اند، نیز اشاره کنند.

این اعلامیه با تعریف نسبتاً جامع و علمی که از اصطلاح خشونت علیه زنان ارایه داده است، در واقع نخستین سند حقوقی بین‌المللی است که در راستای سیاست منحو و رفع خشونت علیه زنان گام برداشته است. قبل از آن در هیچ سند بین‌المللی دیگری به طور مستقیم و صریح به این موضوع اشاره نشده است. در تعریف خشونت علیه زنان در اعلامیه مذکور، هم مصادیق خشونت و هم ریشه و علل جنسیتی این خشونت‌ها مورد توجه قرار گرفته است. طبق این تعریف خشونت‌های اتفاقی علیه زنان به طور مثال خشونت در اثنای یک سرقت یا یک حمله مسلحانه، از شمول و دامنه مصادیق خشونت علیه زنان خارج می‌گردد و تنها خشونت‌هایی را که براساس جنسیت زنان نسبت به آن‌ها اعمال می‌گردد، شامل می‌شود.

نکته دیگر آنکه همان طور که از صدر ماده ۲ اعلامیه برمی‌آید، این ماده جنبه حصری ندارد و عبارت «هرچند که به آن محدود نمی‌شود» به خوبی مؤید این مطلب است که موارد خشونتی که در آن ماده ذکر شده است، از باب تمثیل بوده و موارد دیگری از انواع خشونت‌های جسمی، جنسی و روانی و رفتارهای خشن و آزاردهنده نسبت به زنان را برحسب شرایط و اوضاع و احوال زمان و مکان در جوامع مختلف و زمینه‌های ملی و فرهنگی آن جوامع، می‌توان در این مقوله گنجانید.

#### اسناد بین‌المللی منطقه‌ای مربوط به خشونت علیه زنان

در سطح بین‌المللی - منطقه‌ای باید به اسنادی چون پروتکل الحاقی به منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم، مصوب ۱۱ جولای ۲۰۰۳ که درخصوص حقوق زنان در آفریقاست و نیز به کنوانسیون میان آمریکایی پیشگیری، مجازات و حذف خشونت علیه زنان\* مصوب ۹ ژوئن ۱۹۹۴ اشاره کرد.

پروتکل الحاقی به منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم که توسط ۵۳ کشور آفریقایی

# - INTER AMERICAN CONVENTION ON THE PREVENTION, PUNISHMENT AND ERADICATION OF VIOLENCE AGAINST WOMEN (CONVENTION OF BELEM DO PARA).

در موزامبیک امضا و تصویب شده است، دارای یک مقدمه و ۳۲ ماده می باشد و تصویب آن در سطح منطقه آفریقا برای حمایت از حقوق و آزادی های زنان، حقیقتاً دستاورد بسیار مهمی محسوب می گردد. در بند ج ماده ۱ آن؛ خشونت علیه زنان بدین شرح تعریف شده است:

«خشونت علیه زنان، منظور تمام اقداماتی است که علیه زنان انجام می گردد که باعث می شود تا آنها از لحاظ جنسی، فیزیکی و اقتصادی یا از نظر روانی صدمه ببینند و تهدید به انجام چنین اقداماتی را نیز دربر می گیرد و یا آنها را تحت حبس های غیرقانونی و محدودیت های خودسرانه درمی آورد یا باعث محرومیت از آزادی های بنیادینشان در زندگی خصوصی یا عمومی آنها در زمان صلح و یا در زمان تعارض های مسلحانه یا جنگ می گردد.»

در بند ک همان ماده ذکر شده است که: «منظور از زنان، تمام اشخاص جنس مؤنث اعم از زنان یا دختران است.»

در سطح منطقه آمریکا نیز، کنوانسیون فوق الذکر که به آن کنوانسیون بلم دو پارا\* نیز گفته می شود و در شهر بلم در کشور برزیل در ۹ ژوئن ۱۹۹۴ با یک مقدمه، ۵ فصل و ۲۵ ماده به تصویب رسیده است؛ به تعریف خشونت علیه زنان می پردازد و سپس وظایف دولت ها را در راستای محو این گونه خشونت ها بیان می دارد. این کنوانسیون دارای مکانیسم اجرایی است. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### کلیاتی در مورد گزارشگران ویژه موضوعی سازمان ملل متحد در موضوع خشونت علیه زنان\*\*

در سال ۱۹۹۴، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد طی قطعنامه شماره ۴۵ مصوب ۴ مارس ۱۹۹۴ تصمیم گرفت که گزارشگر ویژه موضوعی راجع به خشونت

# - BELEM DO PARA.

\*\* - در حال حاضر، خانم دکتر یاکین ارتورک (DR. YAKIN ERTURK) که از آگوست سال ۲۰۰۳ از طرف کمیسیون حقوق بشر ملل متحد به این سمت منصوب شده اند و اصالتاً اهل ترکیه (آنکارا) می باشند، گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان هستند.

علیه زنان و بررسی دلایل و پیامدهای آن، منصوب کند. خانم رادهیکا کومارا سوامی از سریلانکا از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۳ این سمت را برعهده داشته و از سال ۲۰۰۳ خانم دکتر یاکین ارتورک به این سمت منصوب شده است. وی قبلاً مدیر بخش توسعه زنان ملل متحد (DAW) در نیویورک در سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ بود.

در سال ۲۰۰۳، کمیسیون حقوق بشر در اجلاس پنجاه و نهم خود طی قطعنامه ۲۰۰۳/۴۵، قویاً تمامی اشکال و انواع خشونت علیه زنان و دختران را مطابق با اعلامیه حذف خشونت علیه زنان (منصوب سال ۱۹۹۳ توسط مجمع عمومی ملل متحد) محکوم می‌کند و همه انواع خشونت نسبت به زنان و دختران را چه در خانواده، چه در کل جامعه توسط اجتماع، و چه توسط دولت محکوم کرده و مورد انتقاد قرار می‌دهد و تأکید می‌کند که وظیفه دولت‌ها آن است که از خشونت علیه زنان اجتناب کنند و رویه‌ها و اقدامات مقتضی برای پیشگیری از این امر اتخاذ کنند و نسبت به این موضوع، بررسی‌های لازم را انجام دهند و قوانین داخلی خود را نیز در این زمینه بررسی کرده و در صورت لزوم آنها را اصلاح کنند یا تغییر دهند.

دولت‌ها موظفند در تمام انواع خشونت علیه زنان چه توسط دولت و نهادهای دولتی یا نیروهای پلیس و انتظامی صورت گرفته باشد و چه توسط اشخاص خصوصی، اقدامات موثری اتخاذ کنند که برای این گونه زنان، جبران خسارت کارآ و مؤثری امکان‌پذیر باشد، از جمله دستیابی به امکانات پزشکی و درمانی، مساعدت نسبت به قربانیان، وجود خانه‌های امن برای اسکان این گونه زنان جهت حفظ استقلال تأمین مالی آنها و...

در قطعنامه یاد شده تأکید شده است که خشونت علیه زنان، خشونت علیه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین زنان است که حق بهره‌مندی زنان از حقوق و آزادی‌هایشان را مخدوش یا غیرممکن می‌سازد.

گزارشگر ویژه موضوعی در گزارش خود، درخواست می‌کند که:

۱. اطلاعات راجع به خشونت علیه زنان اخذ و دریافت گردد و نتایج و پیامدهای آن توسط دولت‌ها گزارش داده شود. همچنین توسط نهادهای تخصصی، نهادهای غیردولتی، دیگر گزارشگران ویژه سازمان ملل متحد که مسوول بررسی سایر نقض‌های

مختلف حقوق بشر هستند، سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و سازمان‌های بین‌المللی بین‌الدولی و بخصوص سازمان‌های مربوط به زنان به اطلاعات دریافت شده فوق، به طور مؤثری پاسخ داده شود،

۲. اقدامات، روش‌ها و راه‌هایی توصیه شود که هم در سطح ملی و هم در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به حذف خشونت علیه زنان و حذف ریشه‌ها و دلایل آن منجر گردد و جبران خسارت و طرق متعدد دادخواهی برای پیامدهای حاصل از خشونت علیه زنان پیش‌بینی شده باشد،

۳. کشورها به طور تنگاتنگی با دیگر گزارش‌گران ویژه، با ارکان تخصصی ملل متحد، با گروه‌های کاری و کارشناسان مستقل کمیسیون حقوق بشر و کمیته‌های فرعی پیشگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها و با نهادهای ایجاد شده در چارچوب معاهدات\*، همکاری کنند و گزارش‌های خود در ارتباط با نقض‌های حقوق بشر نسبت به زنان را به این مراجع ارایه دهند و با کمیسیون مربوط به بررسی وضعیت زنان در راستای تحقق وظایف آن کمیسیون همکاری مؤثری داشته باشند و در این ارتباط با گروه‌های حقیقت‌یاب\*\* اجازه ملاقات و بازدید از کشور خود را اعطا کنند و گزارش‌های سالانه و موضوعی خود را به کمیسیون حقوق بشر ارایه دهند.

گزارش‌گران ویژه خشونت علیه زنان در گزارش‌های خود همیشه بر این نکته مهم تأکید کرده‌اند که منظور از خشونت علیه زنان، خشونت‌های جسمی، جنسی و روحی نسبت به زنان مرتبط با زن بودن و جنسیت\*\*\* آنها می‌باشد. همچنین این گزارش‌گران همواره به موضوع زنان معلول\*\*\*\* و نابرابری‌های مضاعفی که به خاطر معلولیت جسمی یا روانی آنها نسبت به آنان اعمال می‌گردد، اشاره و توجه می‌کنند. گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان همواره خواهان آن است تا در شکایت‌هایی که به گزارشگر ویژه در مورد خشونت گروهی و سازمان یافته توسط دولت یا حتی خشونت‌ها و تبعیض‌های

# - TREATY BODIES.

## - FACT - FINDING.

### - GENDER - BASED VIOLENCE

#### - DISABLE WOMEN.

خشونت آمیز نسبت به زنان در نظام حقوقی آن کشور ارسال می‌گردد، توضیح داده شود که چگونه ممکن است زنان دیگر از این نوع خشونت‌ها متأثر شوند و در هر حال باید هرگونه اطلاعاتی در مورد اینکه دولت از اعمال پیشگیری نسبت به این خشونت‌ها و یا از مجازات مرتکبان خشونت و نیز تحقیق و بررسی درخصوص خشونت‌های گزارش شده و همچنین از اینکه تضمین کند که زنان قربانی خشونت، غرامت کافی و مناسب دریافت کنند، اهمال می‌ورزد، به گزارشگر ویژه اعلام گردد.

در این شکایت‌ها باید به موارد مهم ذیل تصریح گردد:

۱. آیا قانونی در آن کشور وجود دارد که خود آن قانون به این خشونت دامن می‌زند یا خیر؟
۲. هر نوع کاستی و نقصی که در قوانین داخلی آن کشور نسبت به این امر وجود دارد، برای مثال: جبران‌های ناکافی در موارد خشونت علیه زنان و یا نقص در تعاریف از حقوق،
۳. امتناع مقامات مسؤل یا کوتاهی آنها در انجام تحقیقات و بررسی‌های موارد خشونت علیه زنان که نسبت به خود شخص گزارش دهنده (شکایت کننده) یا هر مورد مشابه دیگر وجود داشته است،
۴. الگوهای تبعیض جنسیتی در نحوه دادرسی یا در مجازات کردن موارد خشونت آمیز،
۵. آمار و دیگر اطلاعات مربوط به نقض‌های بیان شده در دادخواست‌ها و شکایات ارسالی.

### موضوعاتی که مورد توجه و بررسی گزارشگران ویژه خشونت علیه زنان سازمان ملل

#### متعدد قرار می‌گیرد:

#### ۱. خشونت علیه زنان در خانواده

خشونت‌های خانگی که خشونت داخلی<sup>۳</sup> هم نامیده می‌شود، معمولاً توسط شریک

# - DOMESTIC VIOLENCE.

این موارد در بند ب ماده ۲ اعلامیه رفع خشونت مطرح شده است.



زندگی زنان یا شریک قبلی آنها صورت می‌گیرد و غالباً ناملموس است.\* در این مورد به خاطر شدت خشونت‌های خانگی در برزیل، حتی یک هیأت بررسی به برزیل اعزام گردیده است. خشونت خانوادگی عبارت است از تجاوز فیزیکی یا روانی توسط یک عضو خانواده علیه عضوی یا اعضای دیگر و خشونت توسط شوهران علیه زنان در داخل خانه، که دومین نوع خشونت معمول در خانواده است و اولین نوع خشونت در خانواده، خشونت فیزیکی و تجاوز نسبت به کودکان خردسال زیر شش سال می‌باشد. خانم رادهیکا کوما راسوامی (گزارشگر ویژه قبلی سازمان ملل متحد در خصوص خشونت علیه زنان) در تعریف خشونت خانوادگی می‌نویسد:

«خشوتتی است که در محیط خصوصی به وقوع می‌پیوندد و عموماً میان افرادی رخ می‌دهد که به سبب صمیمیت، ارتباط خونی یا قانونی به یکدیگر پیوند خورده‌اند.»

صرف نظر از بی‌طرفی ظاهری این واژه، خشونت خانوادگی تقریباً همواره جرم وابسته به جنسیت خاص زنان محسوب می‌گردد که مردان نسبت به زنان در داخل خانه روا می‌دارند. انواع شایع خشونت خانگی نسبت به زنان عبارت است از کتک خوردن زنان، اسیدپاشی مردان نسبت به زنان به خاطر خراب کردن چهره آنان\*\*، محبوس کردن زنان در منزل، شکنجه جسمی و روحی زنان، تجاوز پدران یا ناپدری‌ها یا برادران نسبت به دختران خانواده، سوءاستفاده‌های جنسی از زنان و دختران در داخل خانواده به ویژه دختران نابالغ، قتل‌های ناموسی دخترانی که مورد تجاوز قرار گرفته‌اند توسط پدران یا برادران یا اقارب آنها، سوزاندن عروس در برخی قبایل بومی به خاطر عدم کفایت جهیزیه آنها می‌باشد.\*\*\*

ختنه دختران و زنان\*\*\*\* در برخی جوامع و قبایل، ندادن غذای کافی به کودکان دختر

\* - INVISIBLE.

\*\* - این امر به حدی در بنگلادش شایع است که در قانون جزای آن کشور، بخش ویژه‌ای به آن اختصاص داده شده است.

\*\*\* - سوزاندن عروس در برخی از قبایل بومی بخصوص در کشور هندوستان رایج بوده است که در ظاهر اینطور به نظر می‌رسد که دختر شخصاً خودکشی کرده است در حالی که به خاطر کم بودن جهیزیه توسط همسر خود یا مادر وی به قتل رسانده شده است.

#### - female genital mutilation.

یا زنان در برخی جوامع و تبادل به خاطر عدم کفایت غذا و آب آشامیدنی برای همگان و نیز اعمال تبعیض میان پسران و دختران در خانواده، ضرب و شتم زنان در دوران بارداری به خاطر اجبار آنها به سقط جنین فرزندان خود.

## ۲. خشونت علیه زنان در جامعه\*

خشونت‌های جسمی، جنسی و روانی در جامعه مثل سوءاستفاده‌های جنسی یا تجاوز در محل کار یا در کارخانه‌ها و محله‌های آموزشی از دختران و زنان، تجاوز به عنف به زنان\*\* در جامعه، حملات جنسی نسبت به زنان، روسپی‌گری اجباری، اعمال شرایط خشونت‌آمیز حاکم در محل کار نسبت به زنان که گاه منجر به فرار آنها از کار و محیط کاری می‌گردد، اهانت به زنان در جامعه، متلک به زنان و ناسزا شنیدن زنان در اجتماع، فروش زنان و قاچاق آنها برای به کارگیری در روسپی‌گری و فحشا، تهدید جنسی به زنان و...

موارد فوق در بند ۲ ماده ۲ اعلامیه رفع خشونت عمومی سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۹۳ درج شده است.

درخصوص بررسی خشونت علیه زنان در جامعه، به خاطر شدت و گسترده‌گی این امر در آفریقای جنوبی، هیأتی از طرف کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و گزارشگر ویژه موضوعی خشونت علیه زنان به آن کشور اعزام گردیده است.

## ۳. خشونت علیه زنان توسط دولت و نهادهای دولتی و حکومتی

طبق بند سوم ماده ۲ اعلامیه رفع خشونت، خشونت جسمی، جنسی و روانی توسط دولت‌ها یکی از انواع خشونت علیه زنان است. این نوع خشونت غالباً در ضمن

- این امر حتی از لحاظ بهداشتی نیز طبق گزارش سازمان بهداشت جهانی، بسیار مذموم و غیرانسانی بوده و منجر به صدمات شدید جسمی و جنسی و حتی روحی به زنان شده و در مواردی منجر به مرگ آنها می‌گردد. طبق قانون داخلی آمریکا، این عمل جرم محسوب می‌شود و مجازات ارتکاب این عمل، مدت ۵ سال حبس می‌باشد.

# - VIOLENCE IN COMMUNITY.

## - RAPE.

بحران‌های ملی یا جنگ‌ها توسط خود دولت‌ها نسبت به زنان اعمال می‌شود. مصداق بارز این گونه اعمال خشونت‌آمیز توسط دولت‌ها نسبت به زنان را در بحران کوزوو، در رواندا و جنگ‌های قبیله‌ای داخلی در آن کشور، در سیرالئون، در کلمبیا و در دیگر تعارض‌های مسلحانه داخلی و بین‌المللی می‌توان ملاحظه کرد. برای بررسی این امر، از طرف گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان، هیأتی به کلمبیا و سیرالئون و به جمهوری خلق کره و ژاپن و نیز هیأت جداگانه برای بررسی خشونت علیه زنان در زندان‌های ایالات مختلف آمریکا اعزام شده است.\*

زنان در تعارضات مسلحانه و بحران‌های داخلی، غالباً پس از کودکان، آسیب‌پذیرترین اقشار و افراد می‌باشند، بردگی جنسی\*\* یا ازدواج اجباری\*\*\*، مثله کردن\*\*\*\*، اعضای بدن زنان به طرز وحشیانه، تجاوز جنسی به زنان\*\*\*\*\*، فحش‌های اجباری\*\*\*\*\*، حاملگی اجباری\*\*\*\*\*، عقیم کردن اجباری\*\*\*\*\* یا هر شکل دیگر خشونت جنسی به زنان، حبس کردن غیرقانونی زنانی که به زور حامله شده‌اند به قصد تأثیر بر ترکیب قومی جمعیت خاص و پاکسازی نژادی یا قومی.

این گونه خشونت‌های جنسی نسبت به زنان در بند ب ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی رم مصوب ۱۹۹۸ به عنوان جرایم جنگی\*\*\*\*\* شناخته شده است و نیز اگر این جرایم در زمان صلح صورت پذیرد، از جرایم علیه بشریت\*\*\*\*\* بشمار می‌روند.

\* - در آمریکا، بیشترین تجاوزات به زنان توسط زندانبان‌ها و مأموران داخلی زندان زنان انجام می‌گیرد و آمریکا از این نظر در صدر کشورهای جهان است.

## - SEXUAL SLAVERY.

### - FORCED MARRIAGE.

#### - MUTILATE.

##### - RAPE.

##### - FORCED PROSTITUTION.

##### - FORCED PREGNANCY.

##### - castrate.

##### - WAR CRIMES.

##### - CRIMES AGAINST HUMANITY.

ژاپنی‌ها قریب سیصد هزار زن از اتباع چین، فیلیپین و مخصوصاً کره را برای ارضای جنسی سربازان خود در اسارت نگه داشته بودند و آنان را زنان آرامش‌بخش\* می‌نامیدند. همچنین بدترین تجاوزات جنسی نسبت به زنان، به طور سازمان یافته و توسط نیروهای نظامی دولتی در جریان بحران کوزوو و تعارضات مسلحانه در بوسنی هرزگوین توسط صرب‌ها و به بهانه پاکسازی قومی\*\* انجام می‌گرفت و بردگی جنسی و فحشای اجباری و حاملگی اجباری زنان بوسنیایی و محبوس کردن آنان تا هنگام تولد فرزندان توسط صرب‌ها و به بهانه پاکسازی نژادی و قومی و افزایش کودکان نژاد صرب از بیشترین فجایع انجام شده در طول بحران کوزوو و بوسنی هرزگوین بشمار می‌رود.

#### ۴. قاچاق زنان و بویژه دختران\*\*\* برای به کارگیری آنان در امر فحشای اجباری

یکی از موضوع‌های مورد توجه گزارشگر ویژه خشونت علیه زنان، مسأله قاچاق زنان و دختران و بکارگیری و سوءاستفاده از آنها در امر فحشا و روسپیگری است. ممنوعیت قاچاق زنان به حدی دارای اهمیت حقوق بشری است که در این مورد گزارشگر ویژه‌ای از طرف کمیسیون حقوق بشر منصوب می‌گردد. خانم سیگما هودا از بنگلادش در حال حاضر به موجب قطعنامه شماره ۱۱۰، از سال ۲۰۰۴ و برای مدت ۳ سال به این سمت منصوب شده‌اند.

در خصوص قاچاق زنان و فحشای اجباری آنها، در سال ۱۹۹۷ هیأتی از طرف کمیسیون حقوق بشر برای تفحص و بررسی به لهستان اعزام گردید. لازم به توضیح است که کنوانسیون جلوگیری از قاچاق اشخاص و بهره‌وری از فحشای دیگری مصوب ۲ دسامبر ۱۹۴۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد است (به موجب قطعنامه شماره ۳۱۷) و از ۲۵ جولای ۱۹۵۱ لازم‌الاجرا شده است. این

# - COMFORT WOMEN.

## - ETHNIC CLEANSING.

### - TRAFFIC.

- قاچاق زنان و کودکان و خرید و فروش آنها برای سوءاستفاده جنسی از آنان و به کارگیری در امر فحشا، تجارت سفید (WHITE TRADE) نیز نامیده می‌شود.

کنوانسیون دارای یک مقدمه و ۲۸ ماده می‌باشد.

### گزارش گزارشگر ویژه موضوعی ملل متحد خانم دکتر یاکین ارتورک در موضوع خشونت علیه زنان و درخصوص وضعیت زنان در ایران

خانم دکتر یاکین ارتورک در ژانویه ۲۰۰۵ به ایران وارد شده و در بازدید و ملاقات دو هفته‌ای خود از ایران با بعضی مقامات مرتبط دولتی، برخی سازمان‌های غیردولتی فعال در این زمینه، کانون وکلای دادگستری تهران (ریاست کانون و بعضی اعضای هیأت مدیره آن و نیز بعضی اعضای کمیسیون حقوق بشر کانون وکلای تهران)، بعضی از مسئولین و فعالان مطبوعاتی و روزنامه‌نگاران و برخی افراد و اشخاص خصوصی گفتگو کرده و همچنین ضمن بازدید از دادگاه خانواده و برخی شعب آن از جمله با مسئولان شعبه ۲۵۶ دادگاه خانواده گفتگو و ملاقات بعمل آوردند. ایشان در گفتگوی خود با مسئولان مرتبط دولتی، از آنها خواست تا دولت جمهوری اسلامی ایران را به الحاق به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، هرچه بیشتر ترغیب کنند و نیز گزارش‌های موضوعی سالانه خود در این زمینه را به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد ارائه دهند.

استمرار مذاکرات خود با مقامات قضایی دادگاه خانواده در تهران، بر ضرورت استمرار مذاکرات بین‌المللی در مورد زنان و وضعیت اجتماعی و سیاسی زنان ایران و احراز پست‌های کلیدی و مهم توسط آنها در کشور ایران تأکید نمود و با اشاره به بحث حضانت اطفال در ایران و تأکید بر این نکته که به عنوان یک زن مسلمان قصد ندارد اصول دین اسلام را زیر سؤال ببرد، اگرچه به عنوان یک گزارشگر ویژه موضوعی سازمان ملی انتخاب شده و باید فراملی و فرامذهبی اقدام کند، از مبحث حضانت کودکان به عنوان یک بحث اصلی و کلیدی یاد کرد و تقاضای اصلاحاتی در این زمینه را از دولت ایران داشت، چون در واقع گرفتن حضانت طفل از مادر علیرغم خواست مادر را یکی از مصادیق مهم خشونت علیه زنان در ایران می‌داند.

نامبرده همچنین در گزارش خود در مورد وضعیت زنان در ایران به موارد مهم ذیل

اشاره می‌کند:

۱. سوءاستفاده‌های جنسی از زنان و دختران در چارچوب خانواده که متأسفانه آمار

دقیقی از این موارد در دست نمی‌باشد و این موارد خیلی به ندرت در سطح جامعه علنی می‌شود.

۲. فحشا و روسپیگری<sup>##</sup> در ایران که اگر چه رسماً غیرقانونی است و نهادینه نشده است ولی به عنوان یک معضل اجتماعی جدی وجود دارد و در گزارش‌های مطبوعات و روزنامه‌ها نیز به عنوان یک پدیده نابهنجار اجتماعی از آن نام برده می‌شود.

۳. قاچاق زنان و دختران ایرانی به کشورهای حاشیه خلیج فارس بخصوص به امارات متحده عربی (UAE) برای بکارگیری آنها در امر فحشا و روسپیگری.

۴. تبعیض سازمان یافته و دولتی از طریق قوانین و مقررات اعم از مدنی، کیفری و بویژه در بخش‌هایی از قانون مدنی در ارتباط با موضوع‌های خانوادگی وارث. در این مورد باید قانون حمایت خانواده مصوب سال ۱۳۴۶ (۱۹۶۷ میلادی) که به زنان حقوق بیشتری اعطا می‌کرد اشاره نمود که پس از انقلاب اسلامی قانون یاد شده مورد تجدیدنظر قرار داده شد و بخش‌هایی از آن با جایگزین کردن قوانین مبتنی بر شریعت اسلامی حذف گردید.

۵. جداسازی زن و مرد در انجام معاینات پزشکی و درمانی طبق قانون مصوب مجلس در سال ۱۳۷۷ (۱۹۹۸ میلادی).

۶. سن ازدواج دختران و اجازه ازدواج به آنها در حداقل سن یعنی ۹ سالگی و مغایرت این امر با ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی که به موجب آن زنان باید اجازه پدران یا خویشاوندان مرد خود (اقارب پدری) را برای ازدواج اخذ کنند.<sup>\*\*\*</sup>

۷. مسأله ازدواج‌های موقت (نکاح منقطع)<sup>\*\*\*</sup> ایشان باز تأکید بر این امر که خود

#### # - PROSTITUTION.

## - لازم به ذکر است که اولاً: ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ایران در مورد سن ازدواج اصلاح شده و حداقل سن قانونی برای دختران در حال حاضر ۱۳ سال است. (مجموعه قوانین حقوقی سال ۸۱ صفحه ۴۳۳ روزنامه رسمی شماره ۱۶۷۱۳ مورخ ۸۱/۴/۲۶)

ثانیاً: ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی فقط نکاح دختر باکره را در هر سنی که باشد موقوف به اجازه پدر یا جد پدری می‌داند و سایر خویشاوندان مرد (اقارب پدری) دخالتی در این امر ندارند. اما با توجه به این که قانونگذار چنین اجازه‌ای را برای پسر لازم ندانسته تبعیض فاحش محسوب می‌شود.

#### ### - TEMPORARY MARRIAGE.

مسلمان است و قصد تخدیش دین اسلام را ندارد، بیان می‌کند که این ازدواج‌ها به زنان هیچ‌گونه حقوقی را اعطا نمی‌کند، مگر آن‌که زنان خود به این موضوع آگاهی کامل داشته باشند که باید حقوق مورد مطالبه خود را در هنگام این‌گونه نکاح شرط کرده و درج کنند و متأسفانه غالب زنان از این امر آگاهی ندارند.

۸. سنگسار زنان (و مردان) به خاطر ارتکاب زنا و اشاره به اینکه حتی در این امر نیز با قرار دادن تا کمر در خاک، در هنگام مجازات و زنان تا گردن در خاک و اینکه به نوعی امکان فرار زنان کمتر و سخت‌تر خواهد شد، تبعیض وجود دارد.<sup>\*\*</sup>

۹. موضوع حضانت اطفال در قانون مدنی به این صورت که زنان پس از طلاق از همسر خود و ازدواج با شخص دیگر، طبق قانون، حضانت طفل خود را از دست می‌دهند و ملزم هستند که وی را به پدر یا اقارب پدری طفل بسپارند، مگر در صورتی که بتوانند ثابت کنند که پدر طفل یا اقارب پدری طفل (در صورت نبودن پدر) صلاحیت کافی برای نگهداری از طفل، نخواهند داشت.<sup>\*\*\*</sup> اگرچه طبق اصلاح اخیر قانون یاد شده (ماده ۱۱۶۹)، حضانت اطفال (اعم از دختر یا پسر) تا پایان هفت سالگی به مادر سپرده شده است، لیکن پس از آن، مسلماً مشکل یاد شده برای مادران به وجود خواهد آمد.

۱۰. مسأله عدم امکان ازدواج زنان مسلمان در ایران با مرد غیرمسلمان طبق قانون مدنی که البته این ممنوعیت، ریشه در شریعت اسلام دارد و گزارشگر ویژه نیز خود بر این امر واقف بوده و تأکید می‌کند.

۱۱. موضوع ارزش شهادت زن که طبق قانون کیفری ایران، نصف شهادت یک مرد در دادگاه محسوب می‌گردد و در برخی جرایم و موارد نیز اساساً شهادت زنان پذیرفته نمی‌شود.

۱۲. دپه زنان<sup>\*\*\*\*</sup> که طبق قانون کیفری ایران نصف مردان می‌باشد.

\*. لازم به توضیح است که سنگسار کردن نیز گرچه مورد حکم فراز می‌گیرد اما عملاً در حاضر به دستور رئیس قوه قضاییه انجام نمی‌شود.

\*\* در این جا نیز ذکر اقارب پدری در کنار پدر صحیح نمی‌باشد. احتمالاً منظور ایشان جد پدری بوده است، که در هر حال در صورت زنده بودن ولی خاص محسوب می‌شود.

\*\*\* - BLOOD MONEY.

۱۳. لزوم اخذ اجازه زنان از همسران خود و گرفتن رضایت کتبی آنها برای سفر به خارج از کشور (به هر دلیلی که این سفر لازم باشد)، طبق قانون گذرنامه.
۱۴. ممنوعیت زنان از ورود در عرصه برخی از ورزش‌ها و نیز در مکان‌های ورزشی.
۱۵. جداسازی زنان و مردان در جامعه و مکان‌های عمومی از جمله اتوبوس‌ها، فرودگاه‌ها و غیره (که این امر اگرچه از مصادیق خشونت علیه زنان نیست اما در گزارش گزارشگر ویژه مورد اشاره قرار گرفته است).
۱۶. پوشش اجباری زنان در اجتماع که به انتخاب خودشان نیست.
۱۷. ممنوعیت چاپ عکس زنان بدون پوشش\* در رسانه‌های عمومی و مجلات و ممنوعیت تصویر زنان خارجی و وجود مجازات‌هایی در قالب تعزیرات برای زنانی که بدون پوشش کافی از منزل بیرون می‌آیند و در اجتماع ظاهر می‌شوند.
۱۸. حضور بسیار کم‌رنگ زنان ایران در پست‌های مهم و کلیدی و یا سیاسی و مدیریتی و این امر که تنها ۹ نماینده در مجلس از زنان هستند و هیچ زنی در کابینه دولت به عنوان وزیر حضور ندارد و تنها یک زن در حال حاضر به عنوان مشاور ریاست جمهوری برای امور زنان منصوب می‌باشد.

### آمار و اشاره به مصادیق خشونت علیه زنان در ایران در گزارش خانم دکتر یاکین ارتورک

۱. به گزارش شانزدهم فوریه ۲۰۰۵، حدود ۲۲۰ زن در استان‌های غربی ایران به خاطر امور مربوط به زنان خودکشی کرده‌اند. طبق گزارش ششم ژانویه ۲۰۰۴، ۱۴ زن تا پایان سال ۲۰۰۴ به سنگسار محکوم شده‌اند که از میان آن احکام، چهار زن به اعدام تبدیل شده و اجرا گردیده و قبل از آن نیز شانزده زن سنگسار شده بودند. سال ۲۰۰۴، سال نقض فاحش حقوق بشر زنان در ایران نامیده شد.
۲. دختری به نام لیلا مافی در اراک که مختل‌المشاعر است و از طرف مادر خود از سن ۸ سالگی به فحشار مجبور گردیده است، به صد ضربه شلاق محکوم می‌شود و این



صد ضربه را در سن ۹ سالگی زمانی که اولین فرزند وی به دنیا می‌آید، متحمل می‌گردد و بعداً نیز به اعدام محکوم می‌شود.

۳. عاطفه رجیبی در شهرستان نکای مازندران که به اتهام ارتکام عمل منافی عفت به شلاق و اعدام محکوم می‌گردد و حتی با اینکه به موجب گواهی پزشکی قانونی، اختلال روانی و عاطفی وی ثابت شده بود و این امر و نیز انکار عاطفه پس از سه بار اقرار و صغر سن وی متأسفانه مورد توجه مقامات قضایی واقع نگردید.

۴. افسانه نوروزی که به حکم دیوانعالی کشور به اتهام قتل یک مأمور اطلاعات در حالی که وی سعی داشته است به افسانه تجاوز کند و افسانه در مقابل تجاوز از خود دفاع می‌کرده، محکوم شده است.

۵. چهارده درصد مرگ مردان در جهان و هفت درصد مرگ زنان به خاطر اعمال خشونت است.

۶. مرتکبان خشونت علیه زنان غالباً به طور انحصاری مردان هستند و بیشتر مردانی هستند که زنان آنها را می‌شناسند و معمولاً همراه آنها و یا شریک قبلی زندگی آنها بوده‌اند.

۷. سوءاستفاده فیزیکی و جنسی شریک زندگی زنان (و همراه آنها) که همیشه همراه با صدمات روانی شدید بوده است و غالباً این صدمات ناملموس\* می‌باشد.

۸. خشونت‌های جنسی علیه زنان از لحاظ بهداشتی نیز مشکلاتی را ایجاد می‌کند که این مشکلات طبق گزارش سازمان بهداشت جهانی عبارتند از افزایش حملات جنسی خطرناک میان جوانان و نوجوانان، انتقال بیماری ایدز و ویروس HIV، حاملگی‌های ناخواسته، دردهای زاید در روابط جنسی و مشکلات و بیماری‌های زنانه\*\*، افزایش ارزش و ارقام هزینه‌های درمانی و بهداشتی که صرف زنان مورد تجاوز یا خشونت قرار گرفته‌اند، ایجاد فضای ناامنی و ترس در اجتماع به طوری که حتی گزارش شده است که ۳۰ درصد زنان مورد خشونت و حمله گرفته‌اند. بعداً کار و فعالیت اجتماعی خود را متوقف کرده‌اند و ۵۰ درصد آنها به جهت بیماری‌های ناشی از این خشونت‌ها،

# - INVISIBLE.

## - gynecological problems.

مرخصی‌های کاری گرفته‌اند. خشونت‌های جنسی علیه زنان حتی در برخی موارد منجر به ارتکاب قتل‌های عمد و صدمات شدید و نیز خودکشی زنان شده است.

۹. خانم دکتر ارتورک در خاتمه گزارش خود با تأکید بر این نکته که خود وی مسلمان و به اسلام معتقد است، بیان می‌دارد که تنها راه نجات و رهایی زنان در ایران را کنار گذاشتن اسلام سنتی و بنیادگرایی افراطی\* می‌داند و به آیات شریفه ۸ و ۹ سوره مبارکه تکویر\*\* در قرآن مجید اشاره می‌فرماید که در روز قیامت از دخترانی که زنده به گور شده‌اند، پرسیده می‌شود که به کدامین گناه به قتل رسیدید؟

### ارتباط متقابل میان خشونت علیه زنان و بیماری ایدز

خانم دکتر یاکین ارتورک، گزارشگر ویژه موضوعی سازمان ملل متحد در امر خشونت علیه زنان در گزارش خود مورخ ۲۲ مارس ۲۰۰۵\*\*\* که آن را به شصت و یکمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و در ۶۱ صفحه تحت عنوان خشونت علیه زنان و آثار و پیامدهای آن تقدیم کرده است، طی دو بخش مجزا به بررسی خشونت علیه زنان می‌پردازد. در بخش اول، فعالیت‌های خود در سال ۲۰۰۴ را توضیح می‌دهد و در بخش دوم، ارتباط متقابل میان خشونت علیه زنان و بیماری ایدز را تشریح می‌کند و بر این امر که این ارتباط متقابل نابهنجار، یک واقعیت غیرقابل انکار است، تأکید دارد. ایشان در گزارش خود بیان می‌دارد که حمایت و ارتقای حقوق بشر زنان می‌تواند گسترش و شیوع بیماری ایدز و نیز آثار و پیامدهای ناگوار آن را تقلیل دهد.

### نظر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در ۸ آوریل ۲۰۰۵ در موضوع خشونت

#### علیه زنان و وضعیت زنان خشونت دیده در جهان

کمیسیون حقوق بشر\*\*\*\* سازمان ملل متحد به عنوان یکی از ارکان فرعی شورای

# - FUNDAMENTALIST ISLAM.

\*\*\* - آیه شریفه ۹ سوره مبارکه تکویر صحیح است و به آیه ۸ ارتباطی ندارد.

### - E|CN.4/2005/72.

#### - HUMAN RIGHTS COMMISSION.

اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل (اکوساک) به موجب اختیارات آن نهاد طبق ماده ۶۸ منشور ملل متحد<sup>۳۱</sup> به منظور ترویج و ارتقای حقوق بشر از سال ۱۹۴۶ تأسیس شده است و از مهمترین نهادهای جهانی مربوط به حقوق بشر است و در حال حاضر طبق قطعنامه مصوب ۱۹۹۸ مجمع عمومی سازمان ملل دارای ۵۳ عضو می باشد. این کمیسیون در ۸ آوریل سال ۲۰۰۵، درخصوص خشونت علیه زنان در جهان به طور کلی، به مواردی اشاره می کند که اهم آنها به شرح ذیل می باشد:

۱. شصت درصد از زنانی که در جهان تقاضای طلاق می کنند، در معرض خشونت قرار گرفته اند، اما تنها پنج درصد آنها عملاً به دادگاهها مراجعه و اقامه دعوا می کنند و عدم مراجعه سایرین به دادگاهها و یا استرداد شکایت آنها بیشتر بدین خاطر است که آن زنان از لحاظ مالی و اقتصادی به همسران خود وابسته هستند و در برخی موارد نیز به این علت می باشد که آنها از لحاظ احساسی و فرهنگی ترجیح می دهند که قربانی خشونت یا سوءاستفاده باقی بمانند ولی ساکت باشند و این خشونتها را تحمل کرده و تقاضای طلاق نکنند.

۲. ضروری است تا خانه های امن یا نهادهای عمومی برای زنانی که در معرض خشونت قرار می گیرند، تأسیس گردد تا زنان در صورت مواجهه با خشونت بتوانند به آن اماکن پناه ببرند و بدین ترتیب از لحاظ مالی وابسته به همسران خود نباشند و بودجه لازم برای اداره مالی و تأمین این افراد تخصیص داده شود و ضمناً محاکم اختصاصی هم برای رسیدگی به شکایات این زنان و پیگیری موضوع وجود داشته باشد.

۳. وجود پلیس و قضات زن که به مسأله خشونت علیه زنان آشنایی و آگاهی و تخصص کافی داشته باشند نیز، مهم و ضروری است.

۴. بحث آموزش زنانی که در معرض خشونت قرار می گیرند و آرایه آگاهی های عمومی لازم در این زمینه به آنها بویژه در مورد خشونت خانگی و ترویج این طرز تفکر

۳۱ - ماده ۶۸ منشور ملل متحد مقرر می دارد: «شورای اقتصادی و اجتماعی، کمیسیونهایی را در زمینه های اقتصادی و اجتماعی و برای ترویج حقوق بشر و نیز هر کمیسیون دیگری را که برای انجام وظایف خود ضروری بداند، ایجاد می کند».

که زنان شهروند درجه دوم\* نیستند و باید بتوانند هرچه بیشتر خود و توانایی‌های خود را باور دارند و تلاش کنند.

کمیسیون حقوق بشر در یک عبارت و به طور خلاصه به ریشه‌کن کردن فقر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و از بین بردن دلایل سست شدن بنیان‌های سنتی خانواده و الگوهای آن تأکید می‌کند.

### نتیجه‌گیری

همان‌طور که از مطالعه اسناد و منابع بین‌المللی مندرج در متن مقاله حاصل می‌گردد، خشونت علیه زنان به عنوان نقض حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است و این امر در اعلامیه نهایی کنفرانس وین ۱۹۹۳ نیز تصریح شده است.

مسئله خشونت نسبت به زنان یکی از موضوع‌های مهم کنفرانس پکن ۱۹۹۵، کنفرانس ۲۰۰۰ نیویورک و پکن بعلاوه ۱۰ بوده است و در اعلامیه نهایی کنفرانس ژوئن سال ۲۰۰۰ در نیویورک نیز آمده است که خشونت علیه زنان و دختران چه در یک محیط عمومی و چه در یک محیط خصوصی، یک موضوع حقوق بشر است و دولت‌ها برای جلوگیری، تحقیق و تنبیه اعمال خشونت علیه زنان که از طرف مسؤولان دولتی و یا اشخاص خصوصی به وقوع پیوسته باشد، دارای وظایفی هستند و باید در جهت حمایت از قربانیان خشونت و تأمین سرپناه و تخصیص بودجه کافی برای تأمین مالی آنها و نیز احقاق حق آنها به طور کامل و مؤثر بکوشند.

بنابر اظهار نظر آقای پطرس غالی دبیر کل اسبق سازمان ملل متحد، خشونت علیه زنان پدیده جهانی است و باید با آن به طور جهانی مبارزه کرد و آقای کوفی انان دبیر کل وقت ملل متحد در گزارش هزاره خود در سال ۲۰۰۰، دوره‌هایی مهم را برای بشر در آغاز قرن بیست و یکم مطرح کرد که رهایی از ترس حتی در حریم خانه را جزئی از این دوره‌هایی عمده بشر دانست.

سازمان ملل متحد تاکنون با مجموعه‌ای از امکانات خود شامل تدوین اعلامیه،

توصیه نامه، انتخاب گزارشگر ویژه، تشکیل صندوق‌های خاص و اعلام روز جهانی مبارزه و غیره در ارتباط با خشونت علیه زنان، تمامی کوشش خود را برای محو این پدیده ناهنجار بکار گرفته است، لیکن امحای کامل آن نیازمند آموزش بیشتر زنان و اجتماع و مسئولان دولتی و آگاهی فزاینده و تلاش دولت‌ها و همکاری عمیق بین‌المللی آنها برای انجام تعهدات خود در جهت جلوگیری و مبارزه با این پدیده شوم می‌باشد. به نظر می‌رسد برای محو کامل خشونت علیه زنان، تا زمانی که قانونگذاران بپذیرند که زنان، شهروند درجه دوم نیستند و دارای ارزش برابر با مردان جامعه هستند، اصلاحات جزئی در قانون تأثیری نخواهد داشت و تنها با اصلاح دیدگاه جنسیتی و مشارکت کامل زن و مرد در زندگی، می‌توان قوانین خشونت‌آمیز نسبت به زنان را حذف و اصلاح کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی